



## قربانیان حقوق بشر برای ۱/۵ میلیارد دلار

محکومیت تاجر هلندی به حبس، سندی محکم بر حمایت جنايتکاران در تأمین سلاح‌های شیمیایی

۱۰



## خطر عادی شدن ماسک نژدن

اوج گیری دوباره کرونا در بسیاری از کشورها و البته تعدادی از شهرهای ایران بی توجهی به نژدن ماسک و تریق دوز تقویتی و اکسن را به خوبی نشان می دهد

۱۱



## نمایش آثار مفاخر روی دیوارهای شهر

برای نخستین بار از طریق خطاشی، آثار شاعران و ادیبان روی دیوارهای محله‌ها نقش می یبندد

۱۲

یکشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۳ | ۳۰ ذی الحجه ۱۴۴۳ | سال سیام | شماره ۸۵۳۵

# همیشه یک جامعه



شرح مصورانه پیام خیر

# «کار کودک» در بسته بندی مدرن

درباره استفاده ابزاری از بچه‌ها در شبکه‌های اجتماعی برای دستیابی به شهرت و فروش محصولات

وارد شود.

دلایل مختلفی او را امروز در دوگانگی انجام این تصمیم قرار داده است؛ از جمله فوج کودکانی که به واسطه فضای مجازی در اینستاگرام و... به عنوان مدل حضور دارند و درآمد خوبی از طریق این کار به دست می‌آورند. از طرفی از دور شدن کودک از دنیای خود هم هراسان است. او می‌گوید: «من هم مثل خیلی از مادران در این زمانه که کودک زیادی در فضای مجازی پیج‌های پر فالوئر دارند، گاهی دچار این تردید می‌شوم که چه چیزی برای بچه من مناسب‌تر است؟ اینکه از حالا برای او پیجی راه بیندازم و قبل از بزرگ شدنش، زمینه‌هایی را برای ورود او به دنیای اینفلوئنسری آماده کنم؟ یا اینکه او را از این فضا دور نگه دارم؟ نگرانی از فرصتی که در آینده از دست می‌رود، باعث تردید من است. فکر می‌کنم اگر من هم این کار را برای بچه خودم نکنم، باعث شده‌ام نسبت به دیگر هم‌سن و سالان خودم، یک عقب‌ترب باشد.»

دختر هساله «فاطمه کریمی» چند وقتی است که برای حضور در برنامه‌ای تلویزیونی دعوت شده؛ برنامه‌ای که با کودکان و برای کودکان ساخته می‌شود. موقعیتی که مادر برای قرار گرفتن در آن بارها به دوستش روانداخته، حالا باعث اضطرابش شده است. کریمی می‌گوید: «می‌دانم که با موافقت برای این کار می‌توانم آینده کاری خوبی برای کودکم رقم بزنم، اما می‌ترسم به او فشاری بیش از حد توانش

گزارش مرصیه موسوی روزنامه‌نگار

و هم بازیگری کودکان در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی کم بود، دنیای اینفلوئنسرهای کم‌سن و سال هم از راه رسید. جذب فالوئر بیشتر، شهرت و در نهایت کسب درآمد از طریق کودکان، این روزها بالای جان دنیای کودکان شده است. از کلیپ‌های طنزی که از حرف زدن‌های کودکان‌شان منتشر می‌شود گرفته تا عکس و فیلم‌هایی که کودکان را در خدمت صنعت مد و تبلیغات در آورده است. زخمی که چنین شهرتی به کودکان و رشد آنها می‌زند، دست کمی از زخم‌های روحی و روانی‌ای که کودکان کار با آنها روبرو می‌شوند، ندارد؛ به طوری که می‌توان نام کار کودک «مدرن» را بر آن گذاشت.

دختر هساله «فاطمه کریمی» چند وقتی است که برای حضور در برنامه‌ای تلویزیونی دعوت شده؛ برنامه‌ای که با کودکان و برای کودکان ساخته می‌شود. موقعیتی که مادر برای قرار گرفتن در آن بارها به دوستش روانداخته، حالا باعث اضطرابش شده است. کریمی می‌گوید: «می‌دانم که با موافقت برای این کار می‌توانم آینده کاری خوبی برای کودکم رقم بزنم، اما می‌ترسم به او فشاری بیش از حد توانش

## در ددل‌های یک بازگر فراموش شده

نکته

کم نیستند کودکانی که زخم شهرت، زندگی‌شان را خط انداخته و آن را تحت تأثیر خود قرار داده است. «حسین کلاتر» که هنگام بازی در فیلم‌های «تیک تاک»، «کیسه برنج»، «کلاه قرمزی و سسروناز»، «ده رقصی»، «تو آزادی»، «خواب سفید» و سریال‌های «متمهم گرخت»، «مزرعه آفتابگردان»، «خانه پدری»، «عید اسماعیل»، «ماجراهای آقاچلال» و... سن و سال زیادی نداشته است، یکی از این زخم‌خورد‌های سینه‌سوخته است. او خود را یک «فراموش شده» می‌داند که کودکی و جوانی‌اش را به شهرت «باخته» است و حالا از بی‌وفایی این عرصه گله دارد. او که پیش از ۱۰سال از آخرین بازی‌اش در فیلم‌ها و سریال‌ها می‌گذرد، روی یک پاشنه می‌چرخد.»

حسین کلاتر از دردسرهایی که این شهرت زودهنگام برایش به بار آورده بود به همشهری می‌گوید: «باز یگری تمام زندگی مرا تحت تأثیر خود قرار داد. درس و مدرسه دیگر برام جدی نبود. به توصیه‌های مادر هم توجهی نمی‌کردم که مدام می‌گفت به در دست برس! بازیگری برای تو نان و آب نمی‌شود! فکر می‌کردم حالا که در چند فیلم بازی کرده‌ام و حسابی مشهور شده‌ام، دیگر نیازی به هیچ مهارت و درسی نخواهم داشت، اما همه اینها موقت بود! یک بچه با قیافه بانمک فقط تا

وقتی بامزه و بچه‌است به درد بازیگری می‌خورد.» دیلم را هم به زور و خواهش مادرش گرفت. بعد از آن حتی برای پیشرفت در بازیگری هم فکر تلاشی نکرد. فکر می‌کرد حالا که تجربه پر و بیامنی در بازیگری دارد همه فن حریف شده و نیازی به ارتقای مهارت‌ش نخواهد داشت.

## آینده، روی آب

حسین کلاتر حالا به قول خودش شغل آزاد دارد. فرزندش در فضای مجازی مقاومت کرده است. او می‌گوید: «ترسناک‌ترین موضوعی که درباره انتشار تصاویر کودکان در فضای عمومی است، آن روبه‌رو شدنم، این است که افراد پدوفیل از تلگرامی و صفحات بی‌شماری در اینترنت با این تصاویر سوءاستفاده می‌کنند. کانال‌های تلگرامی و صفحات بی‌شماری در اینترنت با موضوع سوءاستفاده جنسی از تصاویر کودکان وجود دارد. حتی این موضوع را می‌توان در

وقتی بامزه و بچه‌است به درد بازیگری می‌خورد.» دیلم را هم به زور و خواهش مادرش گرفت. بعد از آن حتی برای پیشرفت در بازیگری هم فکر تلاشی نکرد. فکر می‌کرد حالا که تجربه پر و بیامنی در بازیگری دارد همه فن حریف شده و نیازی به ارتقای مهارت‌ش نخواهد داشت.

وقتی بامزه و بچه‌است به درد بازیگری می‌خورد.» دیلم را هم به زور و خواهش مادرش گرفت. بعد از آن حتی برای پیشرفت در بازیگری هم فکر تلاشی نکرد. فکر می‌کرد حالا که تجربه پر و بیامنی در بازیگری دارد همه فن حریف شده و نیازی به ارتقای مهارت‌ش نخواهد داشت.

کامنت‌های اینفلوئنسرهای کم‌سن و سال هم دیدم.» او همچنین از کودکان کم‌سن و سالی یاد می‌کند که سال‌ها پیش در فیلم یا برنامه‌ای کودک در کارگاه تولیدی یا کار کودک در دنیای تبلیغات به او وارد می‌شد شکل متفاوتی داشته باشند، اما ماهیت آنها با هم مشترک است. هر دوی این کارها باعث به‌وجود آمدن بحران هویتی در کودکان می‌شود. کودکی که در دنیای مجازی ۱۰هزار فالوئر دارد، وقتی بیرون از این فضا با افرادی که او را نمی‌شناسند روبرو می‌شود، دچار دوگانگی می‌شود. بسیاری از فشارهایی که کودک در چنین پروژه‌هایی تحمل می‌کند خارج از درک و توان اوست. اینها در شرایطی است که بتواتیم بگویم کودک ضمن فعالیت در این فضا به تحصیل و بازی و سایر کارهایی که در حقوق او گنجانده شده دسترسی درستی دارد؛ که البته ادعای بزرگی است و معمولاً غیرواقعی.»

وی بحرانی را که فراموش شدن، نادیده گرفته شدن، خارج شدن از مرکز توجه و... روی این کودکان می‌گذارد را هم بخش دیگری از بحران‌های روحی و روانی چنین فضایی برای کودکان می‌داند.

او از مرز بازیگری می‌گوید که برای استفاده از کودکان در فعالیت‌هایی مثل تئاتر یا سینما وجود دارد. «برای مشخص شدن این مرز، باید ببینیم این فعالیت چه آسیب‌هایی به بچه وارد می‌کند؟ آیا کودک حین انجام این فعالیت تحت فشار است؟ همچنین برای

را روشن می‌کند و آب یا روی همه زرق و برق‌های فضای مجازی برای کودکان می‌ریزد. یزدانی می‌گوید: «شاید آسیب‌هایی که کار کودک در کارگاه تولیدی یا کار کودک در دنیای تبلیغات به او وارد می‌کند شکل متفاوتی داشته باشند، اما ماهیت آنها با هم مشترک است. هر دوی این کارها باعث به‌وجود آمدن بحران هویتی در کودکان می‌شود. کودکی که در دنیای مجازی ۱۰هزار فالوئر دارد، وقتی بیرون از این فضا با افرادی که او را نمی‌شناسند روبرو می‌شود، دچار دوگانگی می‌شود. بسیاری از فشارهایی که کودک در چنین پروژه‌هایی تحمل می‌کند خارج از درک و توان اوست. اینها در شرایطی است که بتواتیم بگویم کودک ضمن فعالیت در این فضا به تحصیل و بازی و سایر کارهایی که در حقوق او گنجانده شده دسترسی درستی دارد؛ که البته ادعای بزرگی است و معمولاً غیرواقعی.»

وی بحرانی را که فراموش شدن، نادیده گرفته شدن، خارج شدن از مرکز توجه و... روی این کودکان می‌گذارد را هم بخش دیگری از بحران‌های روحی و روانی چنین فضایی برای کودکان می‌داند.

او از مرز بازیگری می‌گوید که برای استفاده از کودکان در فعالیت‌هایی مثل تئاتر یا سینما وجود دارد. «برای مشخص شدن این مرز، باید ببینیم این فعالیت چه آسیب‌هایی به بچه وارد می‌کند؟ آیا کودک حین انجام این فعالیت تحت فشار است؟ همچنین برای

چنین شرایطی دستورالعمل‌های مشخصی هم تعریف شده است؛ از جمله اینکه پدر و مادر حتماً در تمام مراحل کار در کنار کودک حضور داشته باشند و همچنین اینکه بچه هیچ فشار و اضطراب مضاعفی را دریافت نکند.» حقوق کودکان. از الزام والدین به حفظ حریم شخصی آنها سخن می‌گوید؛ این در حالی است که کودکان خریدار و نوزادان هیچ اختیاری از خود برای فعالیتی که نوزادان برای آنها رقم زده‌اند، ندارند. یزدانی می‌گوید: «وقتی بدون اجازه و تمایل کودک عکس‌ها و تصاویری از او در فضای عمومی منتشر می‌کنیم، صراحتاً حریم خصوصی کودک را نقض کرده‌ایم. علاوه بر اینها تمسخر کودکان هم در این عرصه به‌وفور دیده می‌شود. اینها همه نمونه‌هایی از حقوق کودک است که به سادگی توسط دیگران و اغلب والدین، نقض می‌شوند.» این فعال حوزه کودک درباره عدم آشنایی جامعه با کار کودک مدرن این‌گونه اظهار نظر می‌کند: «اینکه تعداد کودکانی که در فضای مجازی از آنها سوءاستفاده می‌شود مدام در حال افزایش است، نشانه‌ای است برای اینکه بدانیم جامعه این موضوع و آسیب‌هایش را خیلی نمی‌شناسد و آن را جدی نمی‌گیرد. حتی افزایش دنبال‌کننده‌های این کودکان هم تأییدکننده این ادعاست؛ درحالی‌که اگر از همین والدین درباره کودکان کار سؤال بپرسید، آن را پدیده‌ای منفی می‌دانند و با آن مخالفت می‌کنند.»



شرح مصورانه پیام خیر

پیدا می‌کرد. مشخص است که در چنین شرایطی فرصت زیادی برای درس خواندن و مدرسه رفتن و بازی کردن پیش نمی‌آید. مدرسه چندبازی‌مذموم را خواسته بود، اما هر طور بود به اصرار مادرم تا دیلیم دوام آوردم. این مدل درس خواندن استرس زیادی هم داشت؛ چرا که همیشه از درس‌ها عقب بودم و نمی‌توانستم نمره خوبی بگیرم.»

سبب هاست بازیگری را از یاد برده است و حالا حتی بسیاری از افرادی که در محل کارش با او مواجه می‌شوند او را به سختی به خاطر می‌آورند. حسین کلاتر می‌گوید: «از دل پرود هر آن که از دیده برافتا جای مثل سینما، یا حتی فضای مجازی، تا وقتی از شما به عنوان فردی مشهور

## خلاصه گزارش

یادداشت

نسرین امیری\*

## وقتی کلید حریم شخصی کودکان را به جامعه می‌دهیم

یکی از توانمندی‌های مهمی که والدین باید به فرزندان خود آموزش بدهند، این است که یاد بگیرند زندگی راحت و آرامی برای خود داشته باشند و همچنین پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های خود را پیدا و آن را تقویت کنند. اگر قبل از اینکه چنین روندی در یک کودک تکمیل شود، او را در معرض دیده شدن قرار بدهیم، در واقع به کودک و مسیری که برای این تکامل طی می‌کند صدمه زده‌ایم.

فرض کنید کودکی نقاش خوبی شده و مهارت و توانایی لازم را در این زمینه به دست آورده است؛ توانایی این کودک در وقت مناسب خود، نمود و جلوه بیرونی هم پیدا خواهد کرد. اما اگر این اتفاق تنها در ذهن ما کامل شده باشد و هنوز بچه به آن مرحله از رشد و توانایی نرسیده باشد، با بزرگنمایی و تأکید بیشتر روی این موضوع بار زیادی روی دوش بچه گذاشته می‌شود. در چنین شرایطی یک نقطه ایده‌آل در ذهن بچه ساخته‌ایم که فکر می‌کند باید به او برسد و در نتیجه این کودک دچار نارضایتی می‌شود.

نکته دیگری که در چنین شرایطی باید به آن توجه کرد، این است که گاهی بزرگ نشان دادن توانایی خاصی در کودک توسط والدین، باعث تغییر در مسیر زندگی این فرد می‌شود؛ در حالی که ممکن است مسیر انتخابی خود کودک نباشد. چنین افرادی در بزرگسالی با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند که یکی از آنها نارضایتی از کار و حرفه‌شان است.

شهرت، قانون ثابتی دارد؛ جامعه‌ای که یک روز با توجه زیاد به یک فرد او را بزرگ کرده و به شهرت رسانده است، یک روز هم ممکن است او را زمین بزند و مورد نقد قرار دهد. برای همین درست این است فردی که مسیر شهرت را انتخاب می‌کند، باید فردی بالغ باشد و براساس انتخاب فردی، خود را در معرض دیده شدن قرار بدهد. آسیب‌های روحی و روانی چنین کاری در کودکان بسیار سخت‌تر و بزرگ‌تر از افراد بزرگسال است چرا که آگاهی نسبت به این شرایط ندارند. جامعه وقتی شهرتی به یک فرد می‌بخشد، خود را در ازای او طلبکار می‌داند. مثال مشخص این موضوع بازیکن کلمبیایی بود که بعد از گل به خودی در مسابقات جام جهانی، توسط هواداران شخمگین کشته شد.

آسیب‌های کودکان از شهرت بدون آگاهی، زمینه‌ای گسترده دارد. یکی دیگر از این آسیب‌ها، این است که رفتار کودکان با افزایش سن، همچنان کودکانه باقی بماند چرا که آنها یاد گرفته‌اند از این طریق توجه‌ها را به خود جلب کنند. توک زبانی حرف زدن، یکی از این رفتارهاست و وقتی کودک بزرگ می‌شود انتظار می‌رود صحبت کردن درست را آموزش دیده باشد. اما برای جلب توجه، همچنان تلاش دارد تا در صحبت کردن به روش و زبان کودکانه سخن بگوید و در واقع توجه به نشانه‌های باعث جلوگیری از رشد او شود.

یا شاید مواردی هستیم که بچه در کودکی فضایی را به زبان آورده که حتی معنای آن را هم نمی‌داند. افراد زردی ویدئو این فحش‌دادن‌ها را دیده‌اند و کودک را بسا چنین ادبیاتی به خاطر می‌آورند و می‌شناسند. حالا مدتی از آن دوره گذشته. آن کودک فردی با ادب است اما جامعه از او انتظار مودب بودن را ندارد و چنین شخصیتی را از او نمی‌پذیرد؛ در درس‌هایی که شهرت و دیده شدن برای افراد درست می‌کند بر کسی پوشیده نیست. بایباید به این فکر کنیم آیا کودک

و نوزادی که به تصمیم پدر و مادرش در معرض شهرت قرار می‌گیرد و احتمالاً از این شهرت هیچ ذهنیتی ندارد، از اینکه در معرض قضاوت دیگران قرار بگیرد راضی است؟ آیا توان مواجهه با چنین قضاوت‌هایی را دارد؟ در سن این است که از نظر قانونی ما این اجازه را نداریم فضایی را ایجاد کنیم که خود کودکمان از ما شکایت کند و حریم شخصی‌شان را به خطر بیندازیم. برای مثال، ممکن است کودک در سنین کم، داروهای خاصی را مصرف کنند و بعدها تمایلی به افشای این موضوع نداشته باشند، چون حس می‌کنند دیگران ممکن است آمادگی فکری مناسبی برای مواجهه با این موضوع نداشته باشند. بچه می‌تواند این انتظار را داشته باشد که والدین و خانواده مسائل شخصی مربوط به او را حتی در جمع‌های خانوادگی هم مطرح نکنند. از طرف دیگر، می‌دانیم اغلب این تصاویر برای تبلیغ و بالابردن فالوئر‌ها در صفحات مجازی منتشر می‌شوند و در نهایت در پی درآمدزایی هستند. اما این درآمد به چه کسی می‌رسد؟ کودکانی که در معرض نمایش قرار گرفته‌اند؟ یا والدین و بزرگسالانی که به نوعی از جلب توجه به سمت این کودک سوءاستفاده کرده‌اند؟ بیش از نیم قرن پیش، وقتی دوربین عکاسی وارد خانه‌ها شد و مردم کم‌کم امکان ثبت تصاویر شخصی خود را پیدا کردند، عکس انداختن از کودکان به‌صورت برهنه کار رایجی بود. بسیاری از افرادی که چنین تصاویری از آنها گرفته شده بود در بزرگسالی از این موضوع گله‌مند بودند. برخی که می‌خواستند همسر خود را از میان اقوام انتخاب کنند با مشکلات پیچیده‌تری روبرو می‌شدند. از آن زمان تاکنون بیش از نیم قرن گذشته و با تجربه و آگاهی بیشتری به این مسائل پیدا کرده‌ایم. حداقل کاری که می‌توان در این زمینه انجام داد این است که قبل از تصمیم به انتشار چنین تصاویری، حتماً با احتمالات فکر کنیم. ما کلید ورود به حریم شخصی خود و فرزندمان را به دست عموم مردم داده‌ایم و باید آمادگی عواقب آن را داشته باشیم.

«فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان

## جامعه با بی‌رحمی

درباره گذشته این

افراد روبرو می‌شود.

انگار تصویر ثابتی از

این کودکان بازیگر

در ذهن مردم مانده و

حتی حالا که آنها بزرگ

شده‌اند و شخصیتشان

شکل گرفته، مردم

خیال ندارند که این

تصور را تغییر دهند.

مورد تمسخر هم سن

و سالان خود قرار

می‌گیرند و اعتماد به

نفسشان را از دست

می‌دهند

## حسین کلاتر،

بازیگر فراموش شده

سینما و تلویزیون

که کودکی‌اش را در

شهرت و جوانی‌اش

را در گمنامی گذرانده

می‌گوید: «افراد زیادی

هستند که وقتی بازی

من را به خاطر می‌آورند

می‌گویند چرا دیگر بازی

نمی‌کنی؟ به شوخی

می‌گویم که بازنشسته

شده‌ام، اما حقیقت این

است که این انتخاب

من نیست؛ من و شهرتم

فراموش شده‌ایم.»

## وقتی بدون اجازه و

تمایل کودک عکس‌ها

و تصاویری از او در

فضای عمومی منتشر

می‌کنیم، صراحتاً حریم

خصوصی کودک را

نقض کرده‌ایم. علاوه

بر اینها تمسخر کودکان

هم در این عرصه به

وفور دیده می‌شود.

اینها همه نمونه‌هایی

از حقوق کودک است

که به سادگی توسط

دیگران و اغلب والدین،

نقض می‌شود